

سیاست کیفری ایران در قبال بمب‌گذاری و راهکارهای اصلاح آن*

- حسن قاسمی مقدم^۱
- نیکو نیک‌زر^۲
- مریم فرجی^۳
- علی تولایی^۴

چکیده

نظام تقنینی ایران، به جرم‌انگاری صریح و جامعی در خصوص بمب‌گذاری پرداخته است. تنها در برخی قوانین به شکل پراکنده، به «قرار دادن مواد منفجره» در برخی صنایع اشاره شده است. اما ارتکاب این پدیده جنایی در رابطه با سایر صنایع، وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی و محیط زیست، مشمول قانون‌گذاری منسجمی قرار نگرفته است. هدف این تحقیق که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، این است که رویکرد قوانین جاری ایران را نسبت به

* تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۳ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱۰.

۱. استادیار دانشگاه یزد (نویسنده مسئول) (ghasemi@yazd.ac.ir).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه یزد (n.nickzar@sepanta.com).

۳. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی (m.faraji@yazd.ac.ir).

۴. دانشیار دانشگاه یزد (tavallaei@yazd.ac.ir).

بمب گذاری تحلیل نماید و ارتباط میان مفهوم و مصادیق محاربه، افساد فی الارض و بغی با بمب گذاری را تبیین کند. با توجه به خلأ تقنینی در این باره باید گفت دلایلی همچون قابلیت جنایی بمب به عنوان وسیله مجرمانه، لزوم تعقیب کیفری شروع به بمب گذاری، ایجاد انسجام در قوانین مربوط به تخریب و احراق کیفری و حمایت کامل از تمامی صنایع، منابع انرژی و محیط زیست، ضرورت جرم‌انگاری مستقلی را در این باره روشن می‌سازند. سیاست کیفری جدید می‌تواند با تفکیک انواع بمب گذاری‌ها، بر مبنای نوع بمب، موضوع جرم و ویژگی‌های مرتکب و شرایط زمانی و مکانی، نظام کیفرگذاری معقول و متناسبی را طراحی نماید.

واژگان کلیدی: بمب گذاری، مواد منفجره، محاربه، تخریب کیفری، اماکن عمومی.

مقدمه

«بمب، محفظه‌ای مخروطی یا استوانه‌ای شکل است که درون آن مواد منفجره می‌ریزند و به چاشنی مجهز می‌کنند و گاه به وسیله هواپیما به زمین پرتاب می‌کنند تا بر اثر اصابت بر زمین منفجر شود و گاه به وسیله الکتروسیسته یا فتیله آلوده به ماده قابل اشتعال و وسایل دیگر در روی زمین منفجر می‌کنند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴/۴۹۹۷). بند ج ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی «قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان اسلحه و مهمات غیر مجاز» مصوب ۱۳۹۰، بمب را در معنای خاص کلمه، زیرمجموعه مهمات تلقی کرده و از آنجا که مهمات را در قالب یک «مظروف» تعریف نموده است، شاید گفته شود که سایر انواع مواد منفجره را که در قالب یک مظروف نیستند، مثل دینامیت، نمی‌توان زیرمجموعه تعریف بمب دانست. با وجود این، مواد منفجره در اغلب موارد، در داخل یک مظروف یا محفظه مورد استفاده قرار می‌گیرند و همین امر برای اطلاق عنوان بمب به آن‌ها کافی است. به علاوه در اسناد بین‌المللی و از جمله در «کنوانسیون سرکوب بمب گذاری‌های تروریستی» ۱۹۹۷ نیویورک،^۱ در حالی که موضوع این کنوانسیون، مبارزه با «بمب گذاری‌های» تروریستی است، اما در قسمت الف از بند ۳

1. Convention on Suppression of Terrorist Bombing, 1997.

از ماده ۱ این کنوانسیون، به تعریف وسیله منفجره به عنوان مصداق بمب پرداخته است. از این رو می‌توان گفت که بمب در معنای عام کلمه می‌تواند شامل مواد منفجره‌ای گردد که مقدمات انفجار آن‌ها از قبیل نصب فتیله و زمان‌سنج در آن‌ها تعبیه شده است.

بمب‌ها را می‌توان از جنبه‌های مختلفی تقسیم‌بندی نمود. با بررسی مهم‌ترین انواع بمب‌ها معلوم می‌شود که اصطلاح بمب‌گذاری صرفاً دارای یک معنای واحد و بالتبع یک حکم واحد نیست. اگرچه در اکثر موارد، یک بمب ساعتی نظامی جهت بمب‌گذاری استفاده می‌شود، اما چه‌بسا مواردی که در آن‌ها بمب‌گذار از یک بمب غیر نظامی و یا صوتی - مثلاً جهت مصارف معدنی و یا صید ماهی - استفاده نموده است. از این رو، دقت در بررسی نوع بمب مورد استفاده، برای تعیین دقیق حکم بمب‌گذاری در حقوق کیفری بسیار حائز اهمیت است.

استفاده از بمب، اشکال گوناگونی از قبیل بمباران هوایی و بمب‌گذاری دارد. اما در سال‌های اخیر می‌توان شاهد افزایش و رواج روش بمب‌گذاری در مناطق مختلف جهان و از جمله در ایران بود. نکته مهمی که در اینجا باید روشن گردد این است که معنای دقیق بمب‌گذاری به لحاظ حقوقی چیست؟ با مطالعه در اسناد بین‌المللی و سایر نظام‌های حقوقی می‌توان متوجه شد که در زمینه تعریف بمب‌گذاری، اختلاف‌نظراتی وجود دارد. برخی از نظام‌های حقوقی مانند نظام حقوقی «ایالت اوکلاهما» از ایالات متحده آمریکا، صرفاً مفهوم «جاسازی»^۱ را برای معنای بمب‌گذاری استفاده نموده‌اند (Oklahoma State Code, 2014: 21-1767.1). اما در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی مانند نظام حقوقی استرالیا^۲ و در کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی^۳، در کنار مفهوم «جاسازی» از مفاهیم دیگری همچون «تحویل»^۴ و «شلیک»^۵ و «منفجر نمودن»^۶ بمب نیز برای معنای بمب‌گذاری استفاده شده است. این امر

1. Placement.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: Amendment to Australian Criminal Code, 72-3.

۳. برای آگاهی بیشتر ر.ک: Convention on Suppression of Terrorist Bombing, Article 2.

4. Deliver.

5. Discharge.

6. Detonate.

بدین معناست که از منظر قبلی، صرفاً «جاسازی» یک بمب در یک محل می‌تواند به معنای بمب‌گذاری تلقی گردد؛ اما از دیدگاه اخیر، علاوه بر جاسازی یک بمب، می‌توان «تحویل» یک بمب در محل مقصد را توسط مرتکب و «شلیک» یک بمب به محل مقصد و یا «منفجر نمودن» آن را نیز یک بمب‌گذاری تلقی نمود.

با مقایسه دو دیدگاه فوق می‌توان گفت که دیدگاه اول، دیدگاهی مضیق، و دیدگاه دوم، دیدگاهی موسع است. شاید برگزیدن یک دیدگاه میانه، درست باشد؛ زیرا از یک سو امروزه برخی از بمب‌گذاران از «بمب‌های نامه‌ای» استفاده نموده و شخصاً یا به وسیله اشخاص دیگر و از جمله اداره پست، بمب را به محل مورد نظر «تحویل» می‌نمایند. از سویی دیگر، پذیرفتن دیدگاه موسع موجب خواهد شد که از تعریف لغوی و اصطلاحی بمب‌گذاری فاصله گرفته شود؛ زیرا اصطلاح بمب‌گذاری در زبان فارسی قاعدتاً نمی‌تواند شامل «شلیک» بمب به سوی هدف مورد نظر شود و استفاده از این اصطلاح در کنوانسیون فوق‌الذکر شاید به علت وسعت معنایی کلمه bombing - یعنی استفاده از بمب - در زبان انگلیسی بوده است. در نتیجه، معنای بمب‌گذاری در ادبیات حقوق کیفری فارسی را می‌توان جاسازی - یعنی قرار دادن - یا تحویل بمب در مکان معین جهت انفجار و یا منفجر نمودن آن در آن مکان دانست.

حال درباره موضع سیاست کیفری ایران در قبال بمب‌گذاری، آیا قوانین جاری ایران، این رفتار را جرم‌انگاری نموده‌اند؟ آیا عناوین حدی موجود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نظیر محاربه، برای تطبیق بر تمامی مصادیق بمب‌گذاری کافی هستند؟ آیا درباره شخصی که در مراسم چهارشنبه‌سوری، یک بمب صوتی را جهت انفجار داخل آتش در خیابانی قرار می‌دهد و یا یک بمب دودزا را جهت انفجار در داخل ورزشگاه فوتبالی قرار می‌دهد، می‌توان از همان سیاست کیفری تبعیت نمود که در قبال بمب‌گذاری‌های تروریستی به وسیله بمب‌های نظامی و یا کشتار جمعی قابل طراحی و اجراست؟ راهکارهای اصلاح سیاست کیفری کنونی کدام است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، با روش توصیفی - تحلیلی ابتدا وضعیت بمب‌گذاری در قوانین کنونی ایران بررسی گردیده، سپس برای اصلاح سیاست کیفری ایران و با مطالعه برخی نظام‌های حقوقی دیگر که توجه بیشتری به این موضوع داشته‌اند، به

ضرورت جرم‌انگاری بمب‌گذاری، عناصر سه‌گانه این جرم و کیفرگذاری در قبال آن پرداخته شده است.

۱. بمب‌گذاری در قوانین کنونی ایران

به رغم وقوع بمب‌گذاری در داخل ایران، در هیچ یک از قوانین جاری ایران به جرم‌انگاری صریح و کیفرگذاری نظام‌مند برای این پدیده جنایی پرداخته نشده است؛ بلکه صرفاً در برخی قوانین، به شکل فرعی به جرم‌انگاری برخی رفتارهای مرتبط با بمب‌گذاری اشاره شده است. افزون بر این، هیچ یک از عناوین حدی موجود در قوانین جاری نظیر محاربه، امکان تطبیق کامل بر تمامی انواع بمب‌گذاری تروریستی و غیر تروریستی را ندارند.

۱-۱. قوانین مشتمل بر تصریح به بمب‌گذاری

در میان قوانین مختلف ایران می‌توان به سه ماده قانونی اشاره نمود که به عنوان «بمب‌گذاری» تصریح نموده‌اند. نخست، ماده ۵۱۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵؛ دوم، ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛ و سوم، ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ (اصلاحی ۱۳۹۷). تنها یکی از این مواد قانونی، به جرم‌انگاری برخی رفتارها اعم از تهدید به بمب‌گذاری و ادعای وقوع آن اختصاص یافته و دو ماده قانونی دیگر، خالی از هر گونه جرم‌انگاری درباره بمب‌گذاری‌اند.

۱-۱-۱. جرم‌انگاری «تهدید» به بمب‌گذاری و «ادعای» وقوع آن

ماده ۵۱۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، هرگز بمب‌گذاری را جرم‌انگاری ننموده است؛ بلکه صرفاً «تهدید» به آن و یا طرح «ادعای» بمب‌گذاری را جرم‌انگاری نموده است. این ماده قانونی به عنوان عنصر قانونی، متضمن جرم‌انگاری دو رفتار است؛ نخست، تهدید به بمب‌گذاری، و دوم، ادعای بمب‌گذاری. تفاوت‌های اساسی میان این دو رفتار مشخص است؛ زیرا تهدید نسبت به آینده، ولی ادعا مربوط به گذشته است. «تهدید مربوط به عمل خود شخص، ولی ادعا غیر از آن هم می‌تواند باشد. تهدید می‌تواند دروغ یا صادق باشد، ولی ادعا حتماً صادق است؛ چون اگر غیر از این

باشد، یعنی صرفاً بحثی از گذشته مطرح کرده که زمان آن سپری شده و دروغ بودن آن مشخص شده و ارزشی ندارد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۱۳۳).

به لحاظ عنصر مادی در این ماده قانونی، سؤال این است که مرتکب باید ادعا یا تهدید به بمب‌گذاری را نسبت به کدام مکان یا کدام مال مطرح کرده باشد؟ ماده قانونی مذکور صراحتاً و صرفاً به تهدید یا ادعای بمب‌گذاری در وسایل نقلیه اعم از «هوایما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی» اشاره نموده است. از این رو، این ماده شامل تهدید یا ادعای بمب‌گذاری در اماکن عمومی از قبیل ورزشگاه‌ها، ایستگاه‌ها و... نمی‌گردد. اما در چارچوب موضوعات مندرج در این ماده، می‌توان پرسید که آیا این ماده شامل تهدید یا ادعای بمب‌گذاری در هوایما یا کشتی خصوصی می‌شود؟ به تعبیر دقیق‌تر آیا عبارت «عمومی» در انتهای «وسایل نقلیه عمومی» را می‌توان وصف هوایما یا کشتی نیز دانست یا خیر؟ برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که عبارت «عمومی»، شامل هوایما و کشتی نمی‌شود (همان: ۱۳۵).

اما شاید نظر صحیح این باشد که با توجه به سیاق ماده و ذکر مقوله کلی «وسایل نقلیه عمومی» و در نظر گرفتن اصل تفسیر برای احراز مقصود قانون‌گذار و تفسیر مضیق به نفع متهم، عبارت «عمومی»، وصف هوایما و کشتی نیز می‌باشد و بدین ترتیب عنصر مادی این ماده، شامل تهدید یا ادعای بمب‌گذاری در هوایما و کشتی خصوصی نمی‌شود. اما چنانچه هوایما یا کشتی خصوصی بوده و مورد استفاده عمومی باشد، به عنوان وسیله نقلیه عمومی، مشمول حکم قرار می‌گیرد. در واقع آنچه باید انجام شود، اصلاح نظام تقنینی در قبال تهدید و ادعای بمب‌گذاری است؛ چرا که در نظام‌های حقوقی دیگر از جمله در نظام حقوقی «ایالت نبراسکا» از ایالات متحده آمریکا، تهدید و ادعای بمب‌گذاری نه تنها شامل هر ساختمان و وسیله نقلیه عمومی و خصوصی می‌شود، بلکه اساساً هر گونه مال منقول یا غیر منقولی را در بر می‌گیرد (Nebraska Revised Statutes, 2006: 28-1221)؛ زیرا با توجه به موج احساس ناامنی که از تهدید یا ادعای بمب‌گذاری در هر مکان در جامعه ایجاد می‌شود، تفکیک قائل شدن میان اموال، اماکن یا وسیله نقلیه به لحاظ عمومی یا خصوصی بودن آنها نارواست. البته این نظر به معنای پذیرش مجازات یکسان برای تهدید یا ادعای بمب‌گذاری در

انواع مختلف اموال یا اماکن مذکور نیست.

مسئله دیگری که در خصوص عنصر مادی در این ماده قانونی قابل طرح است، مخاطب تهدید یا ادعای بمب گذاری است. با توجه به اینکه در این ماده، مخاطب رفتارهای مرتکب مشخص نشده است، برخی معتقدند از آنجا که هدف مرتکب، تشویش اذهان عمومی و بر هم زدن امنیت کشور است و ماده هم به ارتکاب جرم در وسایل نقلیه عمومی اشاره کرده است که معمولاً متعلق به دولت است، پس جرم جنبه سیاسی داشته و شکی نیست که مخاطب آن، حکومت و مسئولان کشورند و نه عموم مردم (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۳۶۰). با این حال نظر درست تر این است که برای اینکه رفتار مجرمانه مرتکب، قابلیت تشویش اذهان عمومی و بر هم زدن امنیت کشور را داشته باشد، ضرورتی ندارد که مخاطب آن، حکومت و مسئولان کشور باشند، بلکه لازم است که اطلاع رسانی تهدید و یا ادعای بمب گذاری، مفید فایده باشد و بدین ترتیب اعلان عمومی به مردم هم کافی مقصود خواهد بود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

به لحاظ عنصر روانی، جرایم مندرج در این ماده، جرایمی عمدی‌اند و علاوه بر علم و عمد نسبت به فعل مجرمانه، باید قصد تشویش اذهان عمومی و بر هم زدن امنیت کشور در مرتکب وجود داشته باشد و صرف هدف به خطر انداختن جان یک فرد یا عداوت شخصی کافی نیست. همچنین اطلاع رسانی با حسن نیت در خصوص وقوع بمب گذاری به مردم جهت پراکندن آن‌ها از محل مورد نظر نمی‌تواند مجرمانه تلقی شود (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۳۵۹).

۱-۱-۲. تصریح بدون جرم‌انگاری

قانون گذار ایرانی در دو ماده قانونی بدون جرم‌انگاری، به بمب گذاری تصریح نموده است؛ نخست، در بند ت ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، و دوم، در ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم.

۱-۲-۱-۱. بمب گذاری در اماکن عمومی، مبنایی برای عمدی دانستن جنایات

ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد:

«جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: ... ت- هر گاه مرتکب، قصد ایراد

جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی، مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند».

این ماده و بندت ذیل آن، هرگز هیچ رفتاری را در رابطه با خود بمب گذاری، جرم‌انگاری ننموده، بلکه به بمب گذاری در «اماکن عمومی» پرداخته و آن را تمثیلی برای «عمدی تلقی نمودن» جنایت ارتكابی در مواردی دانسته که مرتکب، عمد-قبلی- در تعیین هدف معین نداشته است (برای آگاهی بیشتر ر.ک: حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۷: ۲۹۵).

۲-۲-۱. بمب گذاری در اماکن عمومی، مصداقی از تروریسم

مقنن در شماره ۸ از بند پ ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ (اصلاحی ۱۳۹۷) به «بمب گذاری در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی، شبکه حمل و نقل عمومی یا تأسیسات زیرساختی» تصریح نموده است. اما این تصریح نه به منظور جرم‌انگاری این گونه بمب گذاری‌ها، بلکه جهت اشاره به جرایمی بوده که ارائه هر گونه «تأمین مالی» به آن‌ها، جرم و قابل مجازات است. در واقع بمب گذاری در اماکن مذکور جرم‌انگاری نشده، بلکه «تأمین مالی» برای آن، -مثل انتقال پول به حساب بمب‌گذار- جرم‌انگاری شده است.

عبارت مندرج در شماره ۸ از بند پ ماده ۱ قانون فوق‌الذکر را می‌توان ترجمه عبارت پایانی بند ۱ از ماده ۲ «کنوانسیون سرکوب بمب گذاری‌های تروریستی»^۱ ۱۹۹۷ میلادی دانست. یعنی در حالی که نظام حقوقی ایران، الحاق به این کنوانسیون را پذیرفته است، اما از مندرجات آن، جهت تعریف بمب گذاری تروریستی استفاده می‌نماید. با وجود این، این استفاده نمی‌تواند جبران‌کننده خلأ تقنینی در جرم‌انگاری

1. **Article 2:** 1. Any person commits an offence within the meaning of this Convention if that person unlawfully and intentionally delivers, places, discharges or detonates an explosive or other lethal device in, into or against a place of public use, a State or government facility, a public transportation system or an infrastructure facility: a. With the intent to cause death or serious bodily injury; or b. With the intent to cause extensive destruction of such a place, facility or system, where such destruction results in or is likely to result in major economic loss.

بمب گذاری‌های تروریستی به طور خاص و بمب گذاری‌های غیر تروریستی به طور عام باشد. توضیح اینکه در همین بند پ ماده ۱ قانون فوق‌الذکر، تصریح شده است که ارتکاب اعمال زیر (و از جمله بمب گذاری در اماکن عمومی و...) صرف‌نظر از انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله، تروریستی محسوب می‌شوند. منظور مقنن از اشاره به عدم نیاز به وجود انگیزه، این بوده است که در اعمال مجرمانه زیر، نیازی به اثبات وجود «انگیزه تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی» -مشابه آنچه در بندهای الف و ب این ماده ذکر شده است- نیست.

با وجود این، خلأ تقنینی در خصوص تعیین عنصر روانی بمب گذاری تروریستی احساس می‌شود؛ چرا که زمانی می‌توان یک بمب گذاری در اماکن عمومی را تروریستی قلمداد نمود که طبق بند ۱ از ماده ۲ کنوانسیون پیش‌گفته، بمب گذاری در اماکن مذکور با یکی از دو هدف زیر همراه باشد: «الف- به قصد قتل یا ایراد صدمه شدید بدنی، ب- به قصد تخریب گسترده آن مکان، در صورتی که قطعاً یا احتمالاً موجب خسارت عمده اقتصادی گردد». طبیعی است که اگر فردی به قصد ایجاد شوک و شادی در میان حاضران، چنین رفتاری را -مثلاً در چهارشنبه‌سوری- با یک بمب صوتی کوچک در یک پارک انجام دهد و هیچ صدمه بدنی یا خسارت مالی ایجاد نکند، نمی‌توان چنین فردی را -بر اساس معیارهای کنوانسیون مذکور- مرتکب بمب گذاری تروریستی دانست. با این حال در وضعیت فعلی موجود در نظام قانونی ایران، می‌توان تأمین‌کننده مالی این فرد را به جرم تأمین مالی تروریسم، مورد تعقیب قرار داد! در این مورد، استناد به انتهای ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در رابطه با کفایت علم به وقوع نتیجه، نمی‌تواند مشکل را حل نماید چون در فرض مذکور، بمب صوتی نتیجه خسارت باری نداشته است.

۲-۱. قوانین مشتمل بر اشاره به بمب گذاری

برخی از قوانین داخلی ایران بدون تصریح به بمب گذاری، مشتمل بر موادی‌اند که به طور مستقیم در خصوص استفاده از مواد منفجره و به طور غیر مستقیم درباره

بمب‌گذاری به قاعده‌گذاری کیفری پرداخته‌اند. در میان قوانینی که ناظر بر استفاده از مواد منفجره‌اند، برخی به جرم‌انگاری استفاده از مواد منفجره پرداخته‌اند و برخی استفاده از مواد منفجره را عامل تشدید مرتکبان جرایمی مانند تخریب کیفری دانسته‌اند.

۱-۲-۱. جرم‌انگاری استفاده از مواد منفجره

در خصوص جرم‌انگاری استفاده از مواد منفجره می‌توان به سه ماده قانونی مشخص اشاره نمود.

۱-۱-۲-۱. جاسازی مواد منفجره در صنعت نفت

برخی نویسندگان، احراق و تخریب صنایع مربوط به انرژی اعم از نفت و گاز و برق را زیرمجموعه مفهومی تحت عنوان «تروریسم علیه انرژی» به شمار آورده‌اند و به درستی بر این باورند که «اعمالی همچون خرابکاری در تأسیسات عمومی مانند نفت و گاز و برق را که با قصد ایجاد هراس در مردم انجام می‌شود، می‌توان مصداقی از «تروریسم علیه انرژی» به شمار آورد. به سخن دیگر، در این نوع تروریسم، ترور اشخاص هدف نیست، بلکه تروریست‌ها می‌کوشند با اقدامات خود و با استفاده از خشونت در جامعه هراس افکنی کنند» (اسدی جونوشی و وروایی، ۱۳۹۷: ۳۲۶).

اگرچه در نظام حقوقی ایران، «تروریسم علیه انرژی» مفهوم‌سازی نشده است، اما مواد قانونی پراکنده‌ای از باب مصداق وجود دارد. نزدیک‌ترین مقرر قانونی به بمب‌گذاری در حقوق ایران، ماده ۷ قانون راجع به مجازات اخلاگران در صنعت نفت ایران مصوب ۱۳۳۶ است که اشعار می‌دارد:

«هر کس به قصد سوء، مواد منفجره را در هر قسمت از ابنیه یا معابر یا دستگاه‌ها یا تأسیسات نفت بگذارد، به حبس مجرد از دو تا ده سال محکوم می‌شود».

منظور از قصد سوء در اینجا، قصد احراق یا تخریب کیفری این اماکن است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این ماده قانونی، صرف جاسازی مواد منفجره در اماکن مزبور به انگیزه انفجار، جرم‌انگاری شده است و نه منفجر یا منهدم نمودن این اماکن. از این رو، این ماده مشابهت زیادی با مفهوم بمب‌گذاری علیه انرژی دارد، ولی

تمامی صنایع مربوط به انرژی اعم از گاز و برق و انرژی هسته‌ای را در بر نمی‌گیرد و به اماکن، ابنیه و تأسیسات صنعت نفت محدود گشته است.

۲-۱-۲-۱. جاسازی مواد منفجره در صنایع بزرگ هشت‌گانه ایران

علاوه بر انرژی به طور عام و صنعت نفت به طور خاص، قانون‌گذار ایرانی با توجه به روند رو به رشد استفاده از مواد منفجره از سوی گروه‌های مارکسیستی در دهه پنجاه خورشیدی، جرم‌انگاری‌های ویژه‌ای را در رابطه با برخی صنایع ایران اتخاذ نمود. در این راستا، ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گران در صنایع مصوب ۱۳۵۳، قرار دادن مواد منفجره در هر قسمت از ابنیه یا معابر یا دستگاه‌ها یا تأسیسات شرکت ملی ذوب آهن ایران، شرکت سهامی ماشین‌سازی اراک، شرکت سهامی ماشین‌سازی تبریز، شرکت سهامی آلومینیوم ایران، شرکت سهامی معدن مس سرچشمه کرمان، شرکت ملی صنایع فولاد ایران، شرکت هواپیمایی ملی ایران و شرکت صنایع هلیکوپتر ایران یا شرکت‌های فرعی یا واحدهای تابع آن‌ها و همچنین فرودگاه‌ها یا ایستگاه‌های هوایی و یا تأسیسات فنی هواپیمایی کشوری را به قصد حرق و تخریب، جرم‌انگاری نموده و برای مرتکبان، از پنج تا پانزده سال حبس در نظر گرفته است.

در این ماده در خصوص عنصر روانی لازم، از دو تعبیر استفاده شده است؛ نخست، قصد سوء و دوم قصد حرق یا تخریب. منظور از هر دو تعبیر، اشاره به انگیزه مجرمانه است؛ چرا که جرم مورد نظر، یک جرم مقید به نتیجه نیست تا بتوان قصد نتیجه‌ای را برای آن در نظر گرفت و با فرض اینکه مقنن دارای حکمت است و حرف تکراری و بیهوده نمی‌زند، شاید بتوان گفت که منظور از قصد سوء با توجه به عبارات مواد ۲ و ۳ همین قانون، انگیزه اخلال در صنایع یا خرابکاری در آن‌هاست. با وجود این، با توجه به اینکه در ماده ۱ صراحتاً به این انگیزه اشاره نشده است، باید گفت که سوءنیت لازم در این ماده، مشتمل بر انگیزه ایجاد ناامنی است.

نکته قابل انتقاد در خصوص سیاست کیفی ایران در قبال استفاده از بمب در صنایع ایران، این است که مقنن ایرانی صرفاً به استفاده از بمب در شرکت‌های صنعتی خاصی پرداخته است. بدین ترتیب قانون مذکور شامل استفاده از مواد منفجره در سایر

صنایع بزرگ ایران مانند صنایع خودروسازی، صنایع غذایی، صنایع داروسازی، صنایع دفاعی و استراتژیک، تأسیسات بندری و دریایی، تأسیسات و شبکه‌های مخابراتی نمی‌شود. همچنین این ماده شامل سایر واحدهای صنعتی و تولیدی و کارخانجات کوچک‌تر و نیز وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی مندرج در ماده ۶۸۷ قانون تعزیرات نمی‌شود.

۱-۲-۳. استفاده از مواد منفجره علیه محیط زیست

طبق ماده ۴۲-۱-۲ قانون جزای فرانسه:

«وارد کردن عمدی ماده‌ای که سلامت انسان، حیوانات یا محیط طبیعی را به خطر می‌اندازد، در هوا، خاک و لایه زیرین خاک، مواد غذایی یا عناصر مواد غذایی یا در آب‌ها از جمله قلمرو دریایی در صورتی که در ارتباط با یک اقدام فردی یا جمعی و به هدف اختلال شدید در نظم عمومی از راه هراس افکنی یا ایجاد ترس صورت گیرد، یک عمل تروریستی است.»

مفاد این ماده را می‌توان مشتمل بر تعریف تروریسم زیست‌محیطی دانست (میرکمالی، حاجی‌وند، و صفری، ۱۳۹۷: ۴۲۶).

در حقوق ایران، بحثی تحت عنوان تروریسم زیست‌محیطی در قوانین وجود ندارد. البته در ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به جرم‌انگاری تهدید علیه بهداشت عمومی از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی و... به عنوان یک جرم عمومی پرداخته شده است؛ چرا که مجازات مندرج در آن، حداکثر تا یک سال حبس در نظر گرفته شده است. اما در خصوص استفاده از مواد منفجره علیه محیط زیست به عنوان یک جرم غیر تروریستی در حقوق ایران می‌توان به دو قانون اشاره نمود؛ نخست اینکه به موجب ماده ۱۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبرزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴، «حمل و استفاده از ابزار و ادوات صیادی غیر مجاز و همچنین موادی از قبیل مواد منفجره... ممنوع است» و طبق بند ج ماده ۲۲ همین قانون، مرتکبان به پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال و مصادره محصولات صیادی و ابزار و آلات صید محکوم می‌گردند. ضمانت اجرای مندرج در این قانون،

مخصوص استفاده از مواد منفجره در هنگام صید آبریان است.

به علاوه، درباره استفاده از مواد منفجره در شکار جانداران وحشی، طبق بند ج از ماده ۱۳ قانون شکار و صید اصلاحی ۱۳۷۵، «شکار، صید یا کشتار جانداران وحشی با استفاده از سموم و مواد منفجره و امثال آن...» جرم بوده و بر اساس قسمت صدر این ماده، مرتکبان به مجازات حبس از ۹۱ روز تا ۳ سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار ریال تا بیست میلیون ریال و در صورت تکرار، به هر دو مجازات محکوم می‌شوند.

۲-۲-۱. استفاده از مواد منفجره به عنوان عامل تشدید مجازات

در برخی از مواد قانونی بدون جرم‌انگاری، صرفاً استفاده از مواد منفجره در اثنای ارتکاب جرمی دیگر به عنوان عامل تشدید مجازات مرتکبان آن جرم در نظر گرفته شده است.

۱-۲-۲-۱. تخریب یا احراق کیفری مشدده

به موجب ماده ۶۷۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵:

«هر گاه جرایم مذکور در مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ به وسیله مواد منفجره واقع شده باشد، مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس است.»

منظور از مواد منفجره در این ماده موادی مثل بمب، مین، نارنجک و باروت است. مقنن به علت خطرات بالقوه و بالفعل بیشتر در این نوع تخریب و ایجاد هراس و وحشت بیشتر در میان مردم، مجازات مرتکب را تشدید نموده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۲۲۱). نکته مهمی که در اینجا به ذهن می‌رسد، این است که چرا ماده ۶۷۸ مذکور فقط شامل تشدید جرایم مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ مزبور گردیده است؟ آیا جرایم مندرج در مواد بعدی از جمله تخریب درختان (موضوع ماده ۶۸۶)، تخریب وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی (موضوع ماده ۶۸۷) و تخریب محیط زیست با استفاده از مواد منفجره امکان‌پذیر نیست؟

در نظام حقوقی برخی کشورهای دیگر و از جمله در «حقوق مصر»، استفاده از مواد منفجره صرفاً یک عامل مشدده برای جرم تخریب یا احراق محسوب نمی‌شود؛

بلکه نفس استفاده از مواد منفجره به عنوان یک موضوع مستقل مورد جرم‌انگاری قرار می‌گیرد. باب دوم مکرر از قانون جزای مصر مصوب ۱۹۳۷ میلادی با اصلاحات ۲۰۰۳ میلادی، در ماده ۱۰۲ با عنوان «المفرقات» به تولید یا استفاده از مواد منفجره اختصاص یافته است. طبق بند ب از ماده ۱۰۲ مذکور:

«هر کس مواد منفجره را با هدف ارتکاب جرایم مقرر در ماده ۸۷ این قانون - یعنی اقدام برای تغییر قانون اساسی یا نظام جمهوری یا نوع حکومت مصر - یا با نیت ارتکاب قتل سیاسی یا تخریب اماکن و ساختمان‌ها یا مؤسسات مورد استفاده عموم یا اماکن عمومی، مورد استعمال قرار دهد محکوم به اعدام می‌شود» (حجاریان، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

در بندهای «ج» و «د» این ماده به ترتیب به جرم‌انگاری استفاده از مواد منفجره و شروع به استفاده از آن‌ها به شکلی که حیات مردم به خطر افتد و موجب خطر برای اموال دیگران شود، پرداخته شده است. بدین ترتیب هرچند سیاست کیفری مصر در قبال استفاده از مواد منفجره، سیاستی کامل و بی‌نقص نیست؛ اما نسبت به سیاست کیفری ایران که در آن استفاده از مواد منفجره برای تخریب کیفری صرفاً به عنوان عامل تشدید مجازات برای مرتکبان جرایم مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ قانون تعزیرات تلقی شده، برتری دارد.

۲-۲-۱. تشدید مجازات اخلاص‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما

به موجب ماده ۱ «قانون مجازات اخلاص‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی» مصوب ۱۳۴۹، کسانی که با اجبار یا ارباب، هواپیمای آماده پرواز یا در حال پروازی را در اختیار گیرند یا موجب تغییر مسیر یا مقصد هواپیما یا موجب فرود آن در مکانی غیر از مقصد آن شوند، به ۳ تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شوند. در صورتی که ارباب یا اجبار به وسیله مواد منفجره باشد، چنانچه مرتکب یک نفر باشد، به حداکثر مجازات، و چنانچه بیش از یک نفر باشند، به حبس ابد محکوم می‌شوند. البته مجازات حبس ابد با توجه به قاعده «التعزیر دون الحد» مخالف موازین شرعی است و ماده مذکور در این قسمت لازم‌الاجرا نیست.

همان طور که روشن است، در این ماده به جای جرم‌انگاری بمب‌گذاری در داخل هواپیما، صرفاً استفاده از مواد منفجره را در شرایطی عامل تشدید مجازات دانسته است که برای ارباب یا اجبار در راستای در اختیار گرفتن کنترل هواپیما، تغییر مسیر یا مقصد و یا محل فرود آن مورد استفاده قرار گرفته باشند (مالمیر، ۱۳۹۳: ۶۰). حال اگر یک بمب‌گذار بدون انگیزه در اختیار گرفتن کنترل هواپیما یا تغییر مسیر، مقصد یا محل فرود آن، مرتکب چنین عملی شود، آیا رفتار وی جرم است؟ با توجه به مفاد ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گران در صنایع مصوب ۱۳۵۳ که صرفاً استفاده از مواد منفجره را در داخل فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های هوایی و یا تأسیسات فنی هواپیمایی کشوری جرم‌انگاری کرده است، ناچار جهت یافتن عنصر قانونی برای «بمب‌گذاری در داخل هواپیما» باید به سراغ ماده ۲ قانون مجازات اخلاک‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹ رفت. بر اساس این ماده قانونی، کسانی که به منظور اخلاک در پرواز یا خرابکاری در هواپیما، اشیایی با خود در هواپیما حمل نمایند یا در هواپیما قرار دهند یا به هواپیما ارسال نمایند که موجب ایراد آسیب به هواپیما یا افراد داخل آن یا اموال موجود در آن شود، به ۳ تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شوند. در واقع باید مواد منفجره یا بمب را در زمره اشیاء قرار داد. نتیجه چنین قانون‌گذاری آن است که تفاوتی میان بمب‌گذاری و حمل یک چاقو در هواپیما وجود ندارد.

۳-۱. امکان‌سنجی تطبیق محاربه، افساد فی الارض و بغی بر بمب‌گذاری

شاید یکی از عللی که مانع جرم‌انگاری بمب‌گذاری در نظام حقوقی ایران بوده، گرایش رویه قضایی به استناد به جرایم حدی و به خصوص جرم محاربه، در مواجهه با موارد بمب‌گذاری بوده است؛ چنان که «دستگاه قضایی در برخورد با مرتکبان اعمال تروریستی، بسیاری از آنان را مشمول عنوان محاربه دانسته است» (حبیب‌زاده و حکیمی‌ها، ۱۳۸۶: ۵۸).

آیا به راستی تمامی موارد بمب‌گذاری را می‌توان با محاربه یا افساد فی الارض و یا بغی تطبیق داد؟ و دیگر نیازی به جرم‌انگاری مستقل در این باره وجود ندارد؟ برای پاسخ به این پرسش در ابتدا لازم است که بمب‌گذاری تروریستی از بمب‌گذاری غیر تروریستی

تفکیک شود. بمب‌گذاری تروریستی در «کنوانسیون سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی» ۱۹۹۷، مواردی را شامل می‌شود که در آن‌ها «هر شخصی به طور غیر قانونی و عامدانه، یک ماده منفجره یا کشنده -رادیواکتیو یا شیمیایی یا بیولوژیک- را در داخل یا به سوی داخل یا مقابل یک مکان عمومی، تأسیسات دولتی یا حکومتی، شبکه حمل و نقل عمومی یا تأسیسات زیرساختی، تحویل، جاسازی، شلیک یا منفجر نماید و یکی از مقاصد زیر را داشته باشد: الف- به قصد ارتکاب قتل یا ایراد صدمه بدنی شدید یا، ب- به قصد تخریب گسترده مکان، تأسیسات یا شبکه فوق‌الذکر به گونه‌ای که چنین تخریبی قطعاً یا احتمالاً موجب خسارت عمده اقتصادی شود».

البته طبق «راهنمای سازمان ملل متحد برای قانون‌گذاری درباره کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های جهانی ضد تروریسم»^۱ برخی کشورها مانند انگلستان در «قانون تروریسم»^۲ مصوب ۲۰۰۰، سه نکته به تعریف فوق اضافه نموده‌اند (UNODC, 2003: 16). طبق ماده ۱ از بخش اول «قانون تروریسم» مذکور، اولاً علاوه بر اقدام عملی در راستای بمب‌گذاری، حتی تهدید به بمب‌گذاری نیز کافی است. ثانیاً ارتکاب فعل یا تهدید به آن باید «با انگیزه پیشبرد یک هدف سیاسی، مذهبی، نژادی و یا عقیدتی باشد».^۳ ثالثاً طبق بند (e) از بند ۲ از ماده ۱ مذکور، موضوع بمب‌گذاری تروریستی علاوه بر اماکن عمومی و تأسیسات فوق‌الذکر می‌تواند شامل سیستم‌های رایانه‌ای نیز بشود. با توجه به مطالب فوق درباره تعریف بمب‌گذاری تروریستی، روشن می‌شود که سایر بمب‌گذاری‌ها مثلاً بمب‌گذاری در یک منزل شخصی به قصد قتل صاحب‌خانه، همچنین بمب‌گذاری در یک مکان عمومی اگر به قصد قتل یا ایراد صدمه شدید بدنی یا تخریب کیفری گسترده نباشد، تروریستی محسوب نمی‌شود.

حال که بمب‌گذاری تروریستی از بمب‌گذاری غیر تروریستی تفکیک گردید، برای پاسخ‌گویی به سؤال مطروحه درباره تطبیق عنوان محاربه بر بمب‌گذاری، ابتدا به

1. Legislative Guide to the Universal Anti-Terrorism Conventions and Protocols.

2. Terrorism Act 2000, Section 1.1.

3. 1. Terrorism: interpretation. (1)... (C) the use or threat is made for the purpose of advancing a political, religious, racial or ideological cause.

بررسی تطبیق این عنوان بر بمب گذاری تروریستی پرداخته می شود. جرم محاربه حسب تعریف ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی عبارت است از:

«کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود».

با توجه به این تعریف، امکان تطبیق عنوان محاربه بر برخی از بمب گذاری های تروریستی وجود دارد؛ چرا که بمب نوعی سلاح کشنده است و برخی از مرتکبان دارای انگیزه ارباب عمومی اند. اما با توجه به اینکه محاربه، مستلزم کشیدن سلاح است و می توان در «سلاح» تلقی نمودن بمب تردید نمود و بنا به دلایل زیر، عنوان محاربه قابل تطبیق به تمامی موارد بمب گذاری تروریستی نیست.

۱. از لحاظ عنصر مادی، محاربه مستلزم کشیدن سلاح است؛ یعنی آماده نمودن سلاح برای درگیری مانند کسی که به وسیله هفت تیری که مسلح شده، به سوی مردم نشانه رود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۵۰). از این رو سلاح باید مسلح شده و شمشیر باید از غلاف بیرون آمده باشد و در مورد بمب، مرتکب باید آن را مسلح نموده باشد، یعنی زمان سنج یا فتیله آن را روشن کرده باشد تا بتوان محاربه را محقق دانست. اما در بمب گذاری تروریستی چنین چیزی شرط نیست؛ زیرا در «کنوانسیون سرکوب بمب گذاری های تروریستی» صراحتاً تحویل، جاسازی، شلیک و منفجر نمودن، از یکدیگر تفکیک شده و ارتکاب یکی از آنها مثلاً «تحویل» یا «جاسازی» بمب بدون فعال نمودن آن نیز کفایت می کند. هرچند فرد دیگری، بمب را فعال و آن را «منفجر» نماید.

۲. به لحاظ شرط نتیجه، هرچند جرم محاربه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ جرمی مطلق بود، اما طبق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، این جرم، جرمی مقید به نتیجه است؛ یعنی باید در نتیجه رفتار مرتکب عملاً ارباب و احساس ناامنی در محیط اتفاق افتد (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۷۳) و حال آنکه بمب گذاری تروریستی هرگز مقید به نتیجه نیست و صرف ارتکاب بمب گذاری در اماکن عمومی یا

تأسیسات دولتی و حکومتی یا زیرساختی یا شبکه‌های حمل و نقل عمومی یا سیستم‌های رایانه‌ای کافی به مقصود است؛ هرچند چنین اقداماتی بدون اطلاع عمومی بوده یا پیش از ایجاد ناامنی توسط پلیس کشف و ختنی شود.

۳. به لحاظ عنصر روانی، قصد ارباب به همراه تحصیل مال در محاربه، به معنای قصد تحصیل مال است. اما در بمب‌گذاری تروریستی نه تنها چنین هدفی کافی نیست، بلکه انگیزه تخریب مکان یا تأسیسات عمومی باید به گونه‌ای باشد که قطعاً یا احتمالاً موجب خسارت عمده اقتصادی گردد.

۴. در قوانین برخی کشورها مانند انگلستان، حتی تهدید به بمب‌گذاری تروریستی نیز در حکم آن است.^۱ اما در مورد محاربه، ارتکاب عملی رفتار لازم است.

۵. در قوانین برخی کشورها نظیر انگلستان، به لحاظ عنصر روانی، در بمب‌گذاری تروریستی، داشتن انگیزه پیشبرد اهداف سیاسی، مذهبی، نژادی یا عقیدتی شرط است، اما در محاربه، یک راهزن بی سواد بدون هیچ یک از انگیزه‌های فوق می‌تواند مرتکب این جرم حدی شود.

۶. در نهایت اینکه طبق ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی اگر فردی به عنوان عضو یک گروه بر ضد اساس نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام به بمب‌گذاری نماید، مشمول تعریف جرم محاربه نبوده و باغی محسوب می‌شود.

تا اینجا معلوم شد که عنوان محاربه برای تطبیق بر تمامی بمب‌گذاری‌های تروریستی کفایت نمی‌کند و جرم‌انگاری مستقل در این باره ضروری است. اما در مورد بمب‌گذاری‌های غیر تروریستی مثل بمب‌گذاری در ویلای شخصی در مناطق کوهستانی به قصد قتل صاحب‌خانه، به صورتی که جنبه عمومی نداشته باشد و یا جاسازی بمب صوتی در داخل آتش در مراسم چهارشنبه‌سوری، از آنجا که به ترتیب، مورد اول واجد جنبه خصومت شخصی بوده و طبق فرض جنبه عمومی نداشته است، و مورد دوم فاقد قصد ارباب بوده است، قطعاً مشمول عنوان محاربه نبوده و برخورد با «جنبه عمومی» این رفتارها مستلزم جرم‌انگاری مستقل است.

1. The use or threat of action (Section 1 of Terrorism Act 2000).

در خصوص قابلیت تطبیق عنوان افساد فی الارض موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باید گفت که بر اساس مصادیق مندرج در ماده مذکور، می‌توان ارتکاب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد مانند قتل به واسطه بمب گذاری، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور نظیر تهدید به بمب گذاری در وسایل نقلیه عمومی و احراق و تخریب مثل تخریب کیفری اموال دیگران به وسیله بمب گذاری را به شرطی مشمول عنوان افساد فی الارض دانست که هر یک از جرایم پیش گفته «به طور گسترده» و «به گونه‌ای باشد که موجب اخلال در نظم عمومی، ناامنی یا ورود خسارت عمده» گردد. متأسفانه قانون‌گذار معیار عینی جهت احراز «گسترده بودن» این جرایم ارائه نکرده است (رهبرپور و نورمحمدی، ۱۳۹۷: ۲۱۱). اما قطعاً ارتکاب یک بمب گذاری اعم از تروریستی یا غیر تروریستی، اگر تنها منتهی به قتل یک نفر یا تخریب یک دیوار گردد، مشمول عنوان افساد فی الارض قرار نمی‌گیرد.^۱ افزون بر اینکه جرایم پیش گفته که می‌توانند تشکیل دهنده عنصر مادی افساد فی الارض باشند، جملگی مقید به نتیجه‌اند. اما بمب گذاری این گونه نیست. در نهایت اینکه در بمب گذاری بر خلاف افساد فی الارض، قصد اخلال گسترده یا علم به مؤثر بودن رفتار در چنین اخلاقی لازم نیست.

تطبیق عنوان بغی بر تمامی مصادیق بمب گذاری نیز امکان‌پذیر نیست؛ چرا که در بغی وفق ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی، لزوماً انگیزه مقابله مسلحانه علیه «اساس» نظام جمهوری اسلامی ایران باید وجود داشته باشد (رحیمی‌نژاد و صفرخانی، ۱۳۹۳: ۱۱۳)؛ حال آنکه در بمب گذاری‌های تروریستی ممکن است مرتکب با انگیزه جدایی طلبی چنین اقدامی را انجام دهد و در بمب گذاری‌های غیر تروریستی ممکن است مرتکب

۱. این سؤال قابل طرح است که اگر یک فقره بمب گذاری، موجب جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص به طور گسترده گردد، آیا افساد فی الارض بر آن صدق می‌نماید؟ در پاسخ باید گفت که اگر تعابیر مقنن در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، از باب اطلاق تلقی شود، آنگاه صرفاً گسترده بودن دامنه رفتار مادی مرتکب ملاک است و نه تعدد رفتار وی؛ در این صورت پاسخ مثبت خواهد بود. اما حقیقت این است که یکی از ابهاماتی که مقنن بدان نپرداخته است این است که آیا تعدد رفتار مجرمانه برای تحقق افساد فی الارض شرط است؟ مراجعه به مصادیق افسادی که در فتاوی معتبر فقهی، مستوجب حکم قتل مرتکب است، نظیر قتل اهل ذمه و سرقت کفن، نشان‌دهنده لزوم تعدد رفتار است.

با انگیزه تحصیل مال صاحب‌خانه، در کنار گاوصندوق وی بمب‌گذاری نماید.

۲. ضرورت جرم‌انگاری بمب‌گذاری در نظام حقوقی ایران

در این قسمت، سعی می‌شود تا با توجه به شیوع موضوع بمب‌گذاری در منطقه خاورمیانه و افزایش نسبی آن در دهه‌های اخیر در ایران و بر مبنای اقتضائات یک سیاست کیفری جامع و منسجم در قبال بمب‌گذاری، دلایل مربوط به ضرورت جرم‌انگاری این پدیده جنایی تبیین گردد.

۱. جرم‌انگاری از باب مقدمه حرام و جرم مانع؛ لزوم مقابله با وضعیت و حالت خطرناک؛ به لحاظ فقهی، رفتارهایی که مقدمه حرام بوده و مشتمل بر مفسده اجتماعی باشند، نظیر خرید و فروش آلات قماربازی، یا بنگ و حشیش، حرام و قابل تعزیرند (نقدی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۳۰). مفسده اجتماعی مترتب بر رفتارهای فوق از نظر ایجاد زمینه فساد تا حدی است که رفتارهای مذکور از قالب عنوان شروع به جرم خارج شده و از سوی مقنن ایرانی در موادی همچون ۷۰۶ و ۷۰۷ قانون تعزیرات، به شکل مستقلی جرم‌انگاری شده‌اند. این مبنا در حقوق کیفری تحت عنوان تئوری «جرم مانع» مطرح می‌شود. براساس این تئوری، از آنجا که ارتکاب یک رفتار مقدماتی خطرناک می‌تواند موجب تحقق یک جرم و خساراتی - هرچند غیر فوری- برای جامعه شود، این رفتار باید جرم‌انگاری شود تا وضعیت خطرناک در نطفه خفه شده و دفاع اجتماعی محقق گردد. رفتارهایی مانند حمل سلاح غیر مجاز و تباری برای ارتکاب جرم، بر همین مبنا جرم‌انگاری شده‌اند (نجفی ابرندآبادی، حبیب‌زاده، و بابایی، ۱۳۸۳: ۲۶). علاوه بر وضعیت خطرناک، می‌توان به بروز حالت خطرناک مرتکب و لزوم مقابله با آن در چنین رفتارهایی توجه نمود. جای بسی شگفتی است که چگونه نظام قانونی ایران، تباری برای ارتکاب جرایم علیه امنیت را در ماده ۶۱۰ قانون تعزیرات جرم‌انگاری نموده و برای آن دو تا پنج سال حبس در نظر گرفته است، اما جرم‌انگاری بمب‌گذاری را به بوته فراموشی سپرده است.

۲. جرم‌انگاری بر اساس قابلیت جنایی وسایل مجرمانه؛ برخی بر این باورند که مواد منفجره و از جمله بمب، صرفاً وسیله ارتکاب جرم احراق یا تخریب کیفری‌اند و

نوع وسیله تنها در تشدید مجازات مرتکبان این جرایم مؤثر است (شامبیاتی، ۱۳۸۲: ۳۲۰). با این حال، حقیقت این است که بمب گذاری و انفجار بمب، به علت خطرات بالقوه و بالفعل گسترده، افزایش توانمندی مرتکبان جهت ایراد ضرر جانی و مالی و ایجاد ترس و هراس در بین مردم، از جمله رفتارهایی اند که برای بسیاری از نظام‌های حقوقی موضوعیت داشته و به طور مستقل مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند. از جمله نظام حقوقی انگلستان از سال ۱۸۸۳ میلادی، قانون مستقلی تحت عنوان «قانون مواد منفجره»^۱ به تصویب رسانده است که بر خلاف «قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز» مصوب ۱۳۹۰ در حقوق داخلی ایران، صرفاً به مجازات قاچاق یا خرید و فروش و حمل و نگهداری مواد منفجره محدود نشده و صراحتاً علاوه بر انفجار مواد منفجره، به کارگیری آن‌ها جهت انفجار را نیز جرم‌انگاری نموده است.

۳. لزوم تعقیب کیفری شروع به بمب گذاری؛ در نظام تقنینی فعلی ایران، «هر گاه کسی در کنار ساختمانی بمب گذاری کند، ولی قبل از انفجار بمب، ساختمان در اثر وقوع زلزله فرو بریزد، شخص بمب گذار را حداکثر می‌توان حسب مورد، به شروع به تخریب کیفری محکوم نمود» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۲۰۸). در حال حاضر، امکان تعقیب کیفری شروع به بمب گذاری وجود ندارد؛ زیرا بمب گذاری در قوانین فعلی در حد یک شروع به تخریب کیفری است و منطقاً امکان جرم دانستن «شروع به شروع به جرم» وفق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی وجود ندارد، مگر آنکه نفس بمب گذاری جرم‌انگاری گردد.

۴. ایجاد انسجام در قوانین ناظر بر تخریب کیفری به وسیله بمب گذاری؛ همان طور که پیشتر اشاره شد، ماده ۶۷۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، استفاده از مواد منفجره را صرفاً در مورد جرایم احراق یا تخریب مواد ۶۷۶ و ۶۷۷ همان قانون، موجب تشدید مجازات مجرمان دانسته است. این در حالی است که هیچ دلیل منطقی برای منحصر نمودن چنین تشدید مجازاتی به دو ماده مذکور وجود ندارد و جرایم مهم دیگری در

1. Explosive Substances Act 1883.

همین فصل بیست و پنجم وجود دارد که درباره آن‌ها سخنی از به کارگیری مواد منفجره به میان نیامده است؛ به خصوص در مورد ماده ۶۸۷ قانون مذکور که «در این ماده حتی تفاوتی میان ایجاد حریق و تخریب پیش‌بینی نشده است» (اسدی جونوشی، و وروایی، ۱۳۹۷: ۳۳۶).

۵. حمایت کیفری کامل از صنایع، انرژی و محیط زیست در برابر بمب‌گذاری؛ همان گونه که در مطالب قبلی مشاهده گردید، مقنن ایرانی در برخی از قوانین به طور پراکنده به حمایت کیفری از برخی از صنایع مهم مانند صنعت نفت، ذوب آهن، فولاد و ماشین‌سازی پرداخته است. قوانین مربوطه علاوه بر قدیمی بودن، حمایت جامع، متناسب و طبقه‌بندی‌شده‌ای را از کلیه صنایع و منابع انرژی بر حسب مورد، در مقابل بمب‌گذاری انجام نداده‌اند. در حوزه محیط زیست، این پراکندگی و ضعف قانونی بیش از سایر حوزه‌هاست.

۶. ارائه مفهوم شناسی دقیق از انواع بمب‌گذاری جهت استفاده در سایر قوانین؛ در حال حاضر برخی از قوانین داخلی مانند «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» صراحتاً به بمب‌گذاری در اماکن عمومی به عنوان یک جرم تروریستی استناد نموده‌اند.^۱ اما این اشاره به یک عنوان مجرمانه بین‌المللی که برای تبیین مفهوم و مبارزه با آن، یک کنوانسیون مستقل بین‌المللی تحت عنوان «سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی» در سال ۱۹۹۷ تصویب شده است، کاری ناقص و موجد اشکالاتی است؛ زیرا هیچ گونه توضیحی درباره عنصر روانی اعم از عمد در فعل و قصد نتیجه در بمب‌گذاری تروریستی، از «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» فهمیده نمی‌شود. از این رو نمی‌توان در یک نظام حقوقی، بمب‌گذاری را جرم‌انگاری نکرد و مفهوم‌شناسی مجرمانه آن را وضع نمود، اما انتظار داشت که قوانین کیفری دیگری بر پایه مفهوم بمب‌گذاری، مصادیق رفتارهای مجرمانه خود - مثل تأمین مالی تروریسم - را به درستی بازشناسند. در چنین وضعیتی، نظام تقنینی کنونی ایران بر خلاف اصل بنیادین قانونی بودن جرایم، عنصر قانونی مشتمل بر تعریف عنصر مادی و روانی بمب‌گذاری را تأسیس

۱. شماره ۸ بند پ ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم.

نموده است.

۷. طبقه‌بندی مجازات‌ها برای انواع بمب‌گذاری‌ها؛ در صورتی که بمب‌گذاری، جرم‌انگاری نشود، امکان طبقه‌بندی و متناسب‌سازی مجازات‌ها بر حسب میزان شدت و وخامت بمب‌گذاری‌ها وجود نخواهد داشت. قطعاً مجازات‌ها برابر برای قرار دادن یک بمب صوتی در چهارشنبه‌سوری و یک بمب کشتار جمعی در یک ورزشگاه، عادلانه نخواهد بود.

۳. عناصر جرم بمب‌گذاری

حال که ضرورت جرم‌انگاری بمب‌گذاری و خلأ تقنینی در این باره در نظام حقوقی ایران به اثبات رسید، می‌توان ارکان اصلی سیاست کیفری پیشنهادی را در این راستا با بررسی عناصر قانونی، مادی و روانی این جرم آغاز نمود.

۱-۳. عنصر قانونی

در خصوص عنصر قانونی برای بمب‌گذاری، مهم‌ترین نکته، تفکیک بمب‌گذاری تروریستی از بمب‌گذاری غیر تروریستی است. درباره تعریف بمب‌گذاری تروریستی، می‌توان کنوانسیون «سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی» ۱۹۹۷ و «قانون تروریسم» ۲۰۰۰ انگلستان را ملاک عمل قرار داد. در نتیجه، سایر بمب‌گذاری‌ها، غیر تروریستی تلقی خواهند شد.

۲-۳. عنصر مادی

عنصر مادی هر جرمی عبارت است از رفتار فیزیکی، موضوع جرم، وسیله ارتکاب، ویژگی‌های مرتکب و شرایط زمانی و مکانی ارتکاب آن جرم (الهام و برهانی، ۱۳۹۶: ۲۱۶/۱). در این قسمت سعی می‌شود خطوط اصلی لازم‌الرعايه برای طراحی سیاست کیفری ناظر بر عنصر مادی بمب‌گذاری مورد اشاره قرار گیرد.

۱-۲-۳. رفتار فیزیکی

رفتار فیزیکی در بمب‌گذاری تنها به صورت ارتکاب فعل قابل تصور است. این

رفتار می‌تواند به صورت «تحویل» بمب یا «جاسازی» آن در مکان مورد نظر جهت انفجار و یا «منفجر نمودن» بمب در مکان مورد نظر باشد. اما با توجه به توضیحاتی که در مقدمه داده شد، بهتر است شلیک بمب، تحت عنوانی مستقل و در کنار بمب‌گذاری، مورد جرم‌انگاری قرار گیرد.

۲-۲-۳. وسیله جرم

یک سیاست کیفری عقلایی، میان بمب‌گذاری به وسیله یک بمب صوتی و بمب‌گذاری با یک بمب کشتار جمعی نظیر بمب شیمیایی و یا اتمی تفاوت قائل می‌شود؛ چرا که قدرت تخریبی و آثار زیانبار این بمب‌ها اساساً با یکدیگر قابل مقایسه نیست. براساس همین منطق، در مجموعه قوانین ایالت «کارولینای جنوبی» آمریکا به موجب بخش ۱۶۰ از فصل هفتم از عنوان شانزدهم «استفاده غیر مجاز از بمب‌های تهوع‌آور^۱ یا سایر افزارهای حاوی گازهای تهوع‌آور یا رنجاننده»^۲ به طور خاص جرم‌انگاری شده است (South Carolina Code, 2012: SC Code 16-7-160) که بر اساس آن، جاسازی یا پرتاب یک بمب تهوع‌آور یا اشک‌آور یا دودزا که امکان ایراد صدمه یا ایجاد وحشت یا آشوب را دارد، در داخل یک ساختمان، فروشگاه، تئاتر، استادیوم، میدان مسابقات یا تئاتر تصویری یا اقامتگاه یا پانسیون که مردم در آنجا اجتماع، اقامت یا استراحت می‌نمایند، مستوجب سه سال حبس و جزای نقدی تا سه هزار دلار و یا هر دو مجازات است. نکته جالبی که در مجموعه قوانین «ایالت نبراسکا» بدان تصریح شده است، این است که استفاده از یک بمب «تقلبی» جهت بمب‌گذاری، در صورتی که قابلیت ایجاد وحشت یا ناآرامی عمومی را داشته باشد، به عنوان یک جنایت درجه ۴ قابل مجازات است.^۳

1. Stink.

2. Foul.

۳. به موجب بند ۲ از بخش ۱۲۲۱ از عنوان ۲۸ از مجموعه قوانین بازنگری‌شده این ایالت مصوب ۲۰۰۶ میلادی، جاسازی هر گونه بمب تقلبی یا فاقد قدرت تخریبی در یک مکان که به واسطه طرح، ساختار، محتوا یا ظاهرش، نشان‌دهنده یک بمب واقعی باشد و مرتکب بدانند یا بخواهد یا به طور متعارفی باید باور داشته باشد که موجب وحشت یا ناآرامی عمومی می‌شود، جرم تلقی می‌گردد (Nebraska Revised Statutes, 2006: 28-1221).

۳-۲-۳. موضوع جرم

موضوع هر جرمی، آن ارزشی است که مقنن با جرم‌انگاری آن رفتار، در صدد حمایت از آن است. از آنجا که بمب‌گذاری فقط به بمب‌گذاری تروریستی محدود نمی‌شود، موضوع بمب‌گذاری می‌تواند تمامیت جسمانی هر شخص، هر گونه مال منقول یا غیر منقول خصوصی یا عمومی، امنیت و آسایش عمومی، تأسیسات عمومی، محیط زیست، بهداشت عمومی، میراث فرهنگی و تاریخی و تجهیزات نظامی باشد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا در بمب‌گذاری لازم است وقوع جرم علیه تمامیت جسمانی شخص «دیگر» یا اموال «متعلق به دیگری» باشد؟ پاسخ به این پرسش در مورد بمب‌گذاری نمی‌تواند همان مباحث کلاسیک راجع به جرایم علیه اشخاص و علیه اموال را در پی داشته باشد؛ زیرا به موجب اصل ضرر در مبنای جرم‌انگاری، اگر فردی رفتاری را علیه تمامیت جسمانی و یا اموال خود مرتکب شود، اما این رفتار موجب ایجاد ضرری برای سایر افراد شود، چنین رفتاری مجرمانه تلقی می‌شود. بر اساس همین منطق، ماده ۲۵۴ قانون جزایی مصر، مالکی را که به واسطه آتش‌افروزی در ملک خویش، موجب ایراد ضرری برای دیگران شود، به شرط احراز سوءنیت، مستوجب سجن - یعنی ۳ تا ۱۵ سال حبس - می‌داند (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: *قانون العقوبات المصری*، ۲۰۰۳: ماده ۲۵۴). از این رو، در مورد بمب‌گذاری نیز اگر به واسطه اطلاع‌رسانی مرتکب به دیگران، احساس ناامنی و اختلال در نظم و آسایش عمومی ایجاد شود، ارتکاب چنین رفتاری حتی علیه شخص مرتکب یا اموال وی باید جرم‌انگاری گردد.

۳-۲-۴. ویژگی‌های مرتکب

در صورتی که یک فرد نظامی، مرتکب بمب‌گذاری در اموال، اماکن، تأسیسات، وسایل نقلیه و اسلحه و مهمات نیروهای مسلح گردد، می‌توان سیاست کیفری شدیدتری را در قبال وی در پیش گرفت. یکی دیگر از ویژگی‌هایی که برخی از مرتکبان بمب‌گذاری دارند، انتحاری بودن آنان است. عامل انتحاری به لحاظ داشتن عقاید و انگیزه‌های خاص، چنانچه دارای ارکان مسئولیت کیفری باشد، حالت خطرناک

خود را بروز داده و در صورت دستگیری قبل از انفجار، مستحق ضمانت اجراها و تدابیر خاص کیفری و جرم‌شناختی است.

۳-۲-۵. ویژگی‌های زمانی و مکانی

بمب‌گذاران معمولاً جهت افزایش آسیب‌ها و تلفات، زمان‌ها و مکان‌هایی را انتخاب می‌کنند که تجمع افراد در آن‌ها زیاد است. بسیاری از بمب‌گذاری‌ها در دو دهه اخیر در زمان‌ها یا مکان‌های مقدس مذهبی ارتکاب یافته‌اند. از این رو در عنصر مادی بمب‌گذاری باید به این عامل نیز توجه گردد. علاوه بر این، بمب‌گذاری در زمان انتخابات و یا در محل برگزاری آن به جهت جنبه‌های امنیتی، مستلزم توجه ویژه‌ای است. در حال حاضر در قوانین مربوط به انتخابات مختلف، به این امر توجهی نشده است.^۱

۳-۳. عنصر روانی

عنصر روانی عبارت است از فعل و انفعال ذهنی مجرمانه که در رابطه با اجزای عنصر مادی یک جرم محقق می‌شود. طبق اصل عمدی بودن جرایم بدین معنا که مقنن اصولاً رفتارهای عمدی را جرم‌انگاری می‌کند (الهام و برهانی، ۱۳۹۶: ۱۹۹/۱)، علی‌القاعده منظور از جرم‌انگاری بمب‌گذاری، جرم‌انگاری بمب‌گذاری‌های عمدی است. از این رو مرتکب باید نسبت به رفتار فیزیکی‌اش اعم از «تحویل»، «جاسازی» و یا «منفجر نمودن» بمب، علم و عمد داشته باشد؛ به علاوه باید نسبت به وسیله جرم یعنی «بمب» و موضوع جرم یعنی مال، مکان یا افرادی که بمب را علیه آنان به کار می‌گیرد، عالم و عامد باشد. بدین ترتیب مرتکب باید بمب را «جهت انفجار» در مکان مورد نظر «تحویل» یا «جاسازی» نماید. از این رو اگر وی بمب را جهت نگهداری یا انبار نمودن در مکانی قرار دهد، نمی‌توان وی را به جای حمل و نگهداری مواد منفجره، به

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: بند ۱۶ از ماده ۶۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸، بند ۱۶ از ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ و بند ۱۶ از ماده ۴۴ قانون اصلاح قانون تشکیل شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور مصوب ۱۳۶۵، که در مورد ایجاد رعب و وحشت در انتخابات بوده و خالی از اشاره به بمب‌گذاری هستند.

بمب گذاری محکوم نمود. با توجه به اینکه بمب گذاری یک جرم مطلق است، در بمب گذاری های غیر تروریستی، انگیزه ارتکاب قتل یا صدمات شدید بدنی و یا انگیزه ارتکاب تخریب یا احراق کیفری لازم نیست؛ اما در بمب گذاری های تروریستی طبق کنوانسیون «سرکوب بمب گذاری های تروریستی» و «راهنمای قانون گذاری درباره کنوانسیون ها و پروتکل های جهانی ضد تروریسم» که پیشتر اشاره شد، علاوه بر وجود یکی از انگیزه های فوق الذکر، لازم است انگیزه پیشبرد یک هدف سیاسی، مذهبی، نژادی یا عقیدتی نیز وجود داشته باشد.

۴. کیفرگذاری

در نظام حقوقی داخلی، تنها قانونی که از یک نظام طبقه بندی مجازات برای جرایم مواد منفجره استفاده نموده است، «قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان اسلحه و مهمات غیر مجاز» مصوب ۱۳۹۰ است. طبق ماده ۱۱ این قانون، برای قاچاق، ساخت و موتتاژ «اقلام و مواد تحت کنترل» اعم از مواد رادیواکتیو، میکروبی و مواد منفجره، مجازات های طبقه بندی شده ای در نظر گرفته شده است. به این ترتیب که مجازات رفتارهای مجرمانه فوق در مورد مواد رادیواکتیو یا میکروبی ۲۵ تا ۳۰ سال، در مورد مواد منفجره نظامی یا شیمیایی ۵ تا ۱۰ سال، در مورد مواد ناریه یا مواد منفجره غیر نظامی ۲ تا ۵ سال (در صورتی که هدف غیر امنیتی و برای مصارف معدنی باشد ۶ ماه تا ۲ سال) در مورد گازهای بی حس کننده و اشک آور ۲ تا ۵ سال حبس پیش بینی شده است. طبیعتاً مجازات بمب گذاری به وسیله هر یک از مواد منفجره فوق باید حسب مورد، حداقل یک درجه شدیدتر از مجازات قاچاق همین مواد باشد.

به عنوان آخرین بحث در مورد کیفرگذاری، می توان به معاذیر معاف کننده، مخففه و مشدده مجازات بمب گذاری اشاره کرد. یکی از معاذیر مخففه که در ماده ۵ قانون مجازات اخلا لگران در امنیت پرواز هواپیما مصوب ۱۳۴۹ و مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات مذکور نیز مورد توجه قرار گرفته است، عذر ندامت و همکاری است. بر این مبنا در صورتی که فرد بمب گذار قبل از بمب گذاری و یا قبل از اطلاع عمومی و ارباب مردم، نادم شده و با همکاری خود موجبات کشف بمب و

خنثی‌سازی آن و رفع خطر را فراهم نماید، از مجازات معاف می‌شود و چنانچه پس از بمب‌گذاری و اطلاع عمومی و ارباب مردم چنین اقدامی نماید، می‌تواند موجب تخفیف مجازات وی گردد. برای تشدید مجازات بمب‌گذاران می‌توان به عواملی همچون ویژگی‌های مرتکب به لحاظ نظامی بودن، داشتن شغل یا سمت در مؤسسه موضوع بمب‌گذاری، انتحاری بودن بمب‌گذاری، همچنین ویژگی‌های زمانی و مکانی مانند ارتکاب بمب‌گذاری در اماکن یا زمان‌های مقدس مذهبی و یا انتخابات توجه نمود.

نتیجه‌گیری

در خصوص پاسخ‌دهی به سؤالات ابتدای تحقیق باید گفت با توجه به مطالبی که در این تحقیق بیان شد، بمب‌گذاری در نظام تقنینی ایران، جرم‌انگاری نشده است و امکان تطبیق کامل عناوین حدی محاربه، افساد فی الارض و بغی بر بمب‌گذاری‌های تروریستی و غیر تروریستی وجود ندارد و با عنایت به اینکه بمب‌گذاری‌ها، به لحاظ نوع بمب، انگیزه مرتکب و محل بمب‌گذاری با یکدیگر متفاوت‌اند، نمی‌توان سیاست کیفری واحدی را در قبال تمامی انواع بمب‌گذاری‌ها دنبال نمود. از این رو اساسی‌ترین ضرورت تقنینی درباره بمب‌گذاری در حقوق ایران، جرم‌انگاری این پدیده جنایی است. در این رابطه، اختصاص یک بخش از قانون که مشتمل بر انواع بمب‌گذاری‌ها در اماکن و تأسیسات مختلف باشد و طراحی یک سیاست کیفری جامع، منسجم و متناسب در قبال تمامی گونه‌های آن، امری ضروری است. یک پیشنهاد می‌تواند اصلاح نام و محتوای «قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان اسلحه و مهمات غیر مجاز» مصوب ۱۳۹۰ به شکلی باشد که نیازهای مذکور را مرتفع سازد. افزون بر این، بازنگری در قواعد شکلی خاص مورد نیاز مانند آنچه در بند ۴ ماده ۳ قانون «به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» مصوب ۱۳۷۳ پیش‌بینی شده است، می‌تواند راهگشا باشد. البته مقابله کامل با این پدیده، نمی‌تواند صرفاً به طراحی و اجرای یک سیاست کیفری «داخلی» با ویژگی‌های مورد نظر محدود گردد. بلکه در این باره، توجه به سازوکارهای همکاری‌های دو یا

چندجانبه و همچنین اسناد بین‌المللی و الحاق ایران به آن‌ها نقش به‌سزایی در تحقق اهداف بلندمدت خواهد داشت.

در پایان باید اذعان داشت که بمب‌گذاری‌ها در اکثر موارد، برای «بیان» برخی عقاید سیاسی یا مذهبی ارتکاب می‌یابند. این رفتارها سطح نازل و خشونت‌باری از طرز «بیان» را در بر دارند که در صورت شکل‌گیری فضای آزادی بیان، گفتگو، میانجیگری و افزایش حضور اقلیت‌ها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌توان به پیشگیری از آن‌ها امیدوار بود (اتنف، ۱۳۸۳: ۳۳۸). در حقیقت، سیاست کیفری به تنهایی و بدون اتخاذ یک سیاست جنایی جامع مشتمل بر علت‌شناسی و پیش‌گیری از بمب‌گذاری نمی‌تواند مفید و مؤثر باشد.

کتاب‌شناسی

۱. اتنف، رنالد، «رہیافت جرم شناختی و بزہ دیدہ شناختی بہ تروریسم» (تحلیل جرم شناختی تروریسم)، ترجمہ علی حسین نجفی ابرندآبادی، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، بہار و تابستان ۱۳۸۳ ش.
۲. اسدی جونوشی، محمد، و اکبر وروایی، «سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص تروریسم علیہ انرژی»، دوفصلنامہ مطالعات حقوق انرژی، دورہ چہارم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۳. الہام، غلامحسین، و محسن برہانی، درآمدی بر حقوق جزای عمومی؛ جرم و مجرم، تہران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۴. پوربافرانی، حسن، «تحلیل جرم محاربه»، ققہ و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۴، بہار و تابستان ۱۳۹۱ ش.
۵. حاجی دہ آبادی، احمد، جرایم علیہ اشخاص (قتل)، چاپ دوم، تہران، میزان، ۱۳۹۷ ش.
۶. حبیبزادہ، محمدجعفر، و سعید حکیمی ہا، «ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران»، فصلنامہ مدرس علوم انسانی، دورہ یازدہم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶ ش.
۷. حجازیان، محمدحسن، تخریب کیفری در حقوق ایران و کشورہای اسلامی، تہران، مجد، ۱۳۸۸ ش.
۸. دہخدا، علی اکبر، لغت نامہ، چاپ دوم، تہران، مؤسسہ لغت نامہ دہخدا، ۱۳۷۷ ش.
۹. رحیمی نژاد، اسماعیل، و محدثہ صفرخانی، «بررسی جرم بغی در فقہ امامیہ و حقوق ایران»، فصلنامہ حقوق اسلامی، سال یازدہم، شماره ۴۰، بہار ۱۳۹۳ ش.
۱۰. رہبریور، محمدرضا، و حسین نورمحمدی، «چالش‌ہای حقوقی قضایی افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)»، فصلنامہ پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲۲، بہار ۱۳۹۷ ش.
۱۱. شامبیاتی، ہوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، چاپ ششم، تہران، مجد، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. قانون العقوبات المصری، طبقاً لاحداث التعديلات بالقانون ۹۵ لسنة ۲۰۰۳ م.
۱۳. گلدوزیان، ایرج، بایستہ‌ہای حقوق جزای اختصاصی، تہران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۱۴. مالمیر، محمود، مرضیہ قراخانی بنی، و اصغر احمدی موحد، «اخلال در امنیت پرواز ہواپیما از منظر حقوق داخلی و بین الملل»، دوفصلنامہ حقوق تطبیقی، شماره ۱ (پیاپی ۱۰۱)، بہار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۱۵. میرکمالی، علیرضا، امین حاجیوند، و فرشید صفری، «تروریسم زیست محیطی در حقوق کیفری فرانسہ و تطبیق آن با جرم‌انگاری‌ہای مشابہ در ایران»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۲، ۱۳۹۷ ش.
۱۶. میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیہ امنیت و آسایش عمومی، تہران، میزان، ۱۳۹۷ ش.
۱۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، محمدجعفر حبیبزادہ، و محمدعلی بابایی، «جرایم مانع»، فصلنامہ مدرس علوم انسانی، سال ہشتم، شماره ۴ (پیاپی ۳۷)، زمستان ۱۳۸۳ ش.
۱۸. نقدی نژاد، مجتبی، شروع بہ جرم در حقوق کیفری، تہران، جاودانہ، جنگل، ۱۳۹۰ ش.
19. Amendment to Australian Criminal Code.
20. Convention on Suppression of Terrorist Bombing, New York, 1997.
21. Explosive substances Act, United Kingdom, 1883.
22. Nebraska Revised Statutes, 2006: 28-1221.
23. Oklahoma State Code, 2014: 21-1767.1.
24. South Carolina Code, 2012: SC Code 16-7-160.
25. Terrorism Act, United Kingdom, 2000.
26. UNODC (United Nations Office on Drugs and Crime), "Legislative Guide to the Universal Anti-Terrorism Conventions and Protocols", 2003.